



## جنگ صفین

جنگ صفین از مهم‌ترین نبردهای زمان **خلافت امام علی (علیه‌السلام)** بود که در سال ۳۷ هجری بین آن **امام بزرگوار** و **معاویة بن ابی‌سفیان** در سرزمین صفین که در ناحیه غربی عراق بین **رقة** و **بالس** قرار دارد رخ داد؛ از همین‌رو به جنگ صفین شهرت یافت.

### فهرست مندرجات

- ۱ - آغاز خلافت امام علی
- ۲ - شورشیان جمل
- ۳ - یاران معاویة
- ۴ - اصحاب امام علی
- ۵ - آغاز جنگ صفین
- ۶ - حبله عمر و عاص
- ۷ - منبع

### آغاز خلافت امام علی

زمانی که **امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)** به خلافت رسید، بر آن شد تا **عبدالله بن عباس** را به **حکومت شام** بفرستد. قبل از آن نامه‌ای به معاویة نوشت و در آن، ضمن آگاه کردن او از این‌که مردم بدون **مشورت** او عثمان را کشتند اما اکنون از روی مشورت او را به **خلافت** انتخاب کرده‌اند از او خواست تا همراه اشراف **شام** به **مدینه** بیاید. معاویة پاسخی به نامه امام نداد و تنها نامه سفیدی را که در آن نوشته شده بود: «از معاویة به **علی بن ابی‌طالب**» برای آن حضرت فرستاد. کسی که نامه را آورده بود گفت: از طرف مردمی می‌آید که معتقدند تو عثمان را کشته‌ای و جز به کشتن تو **رضایت** نمی‌دهند.

### شورشیان جمل

ملجرای مخالفت **معاویة** همراه شد با آغاز مسئله شورشیان جمل که امام را برای مدتی به خود مشغول داشت. در این فرصت ملجرای جمل، فرصت تبلیغاتی دیگری برای معاویة فراهم کرد. او توانست با استناد به **شورش طلحة، زبیر و عایشه** - به عنوان **همسر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** - دخالت امام را در قتل عثمان بهتر از پیش در اذهان شامیان تثبیت کند.

### یاران معاویة

پس از خاتمه ملجرای **جمل** امام در **کوفه** مستقر شد. در این زمان به جز شامت دیگر بلاد با امام **بیعت** کرده بودند و امام در کوفه برای مناطق مختلف **عراق** و **ایران** حاکمانی را مشخص کرده و اعزام نمود. امام از کوفه با فرستادن نامه‌ای به معاویة کوشید تا او را به **اطاعت** از امام مسلمین قانع کند. زمانی که نامه امام به معاویة رسید، معاویة از مردم خواست تا در **مسجد** جمع شوند. او گفت: «من خلیفه **عمر بن خطاب** و خلیفه عثمان بر شما هستم. من ولی خون عثمان هستم که مظلوم کشته شده است شما درباره خون عثمان چه می‌گویید؟» همه مردم حمایت خود را از او در انتقام خون عثمان اعلام کردند و این پاسخ معاویة به امام بود. معاویة در نامه‌ای به امام پیشنهاد کرد که شام و **مصر** را به او واگذار کند و زمانی که درگذشت، بیعت کسی را بر عهده او نگذارد. امام قبول نکرد و فرمود: «**خداوند** مرا به گونه‌ای نخواهد دید که گمراهکنندگان را به عنوان بازوی خود استفاده کنم». معاویة از **عمر و بن عاص** که در این زمان در **فلسطین** بسر می‌برد، خواست تا نزد وی بشتابند. معاویة کار تبلیغاتی خود را در **فریب** مردم شهرهای **مدینه، مکه** و نیز رجال سرشنس شهرهای مختلف آغاز کرد. او به مردم مدینه نوشت که ما برای **انتقام** خون عثمان برخاسته‌ایم و اگر پیروز شدیم کار را همانند شورایی که عمر دست کرد سامن خواهیم داد، ما طالب خلافت نیستیم. در این فاصله، دو نامه مفصل میان معاویة و امام رد و بدل شد که نکلت مهمی را برداشت.

### اصحاب امام علی

حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز برجستگان اصحابش که از **مهاجران** و **انصار** بودند، فراخواند و از آن‌ها خواست تا نظرشان را درباره رفتن به شام بیان کنند. در خطبه‌ای عمومی مردم را به **جهاد** فراخواند و با نوشتن نامه به **ابن عباس** و **مخفف بن سلیم** مردم **بصره** و **اصفهان** را با خود همراه کرد.

امام دستور دادند تا جنگجویان در نخلیه که اردوگاه نظامی کوفه بود، اجتماع کنند. این امر معاویه را نیز بر آن داشت تا منبر کوفه را با لبس خونین عثمان، آیین بسته و در حالی که هفتاد هزار شیخ پیرامون آن گریه می‌کردند، مردم شام را برای مقابله با سپاه عراق آماده کند. **امام** در راه به **مدائن** وارد شد و از مردم شهر خواست تا به سپاه وی بپیوندند. سپاه مقدم امام در مرز روم در شمال **عراق** و **سوریه** با سپاه مقدم شام به فرماندهی **ابوالاعور سلمی** برخورد کرد. امام مالک را به سوی آن‌ها فرستاد و به او تاکید کرد که به هیچ وجه نباید آغازگر **جنگ** باشد. با آمدن مالک سپاه شام درگیری را آغاز کرده و دو طرف مدتی به نبرد با یکدیگر پرداختند. پس از آن سپاه شام عقب‌نشینی کرد. محل درگیری، منطقه **صفین** بوده که با فرات فاصله کمی داشت. زمانی که سپاه عراق به سپاه شام رسیدند، متوجه شدند که آنان در منطقه مستقر شده و تنها راه سنگفرش به رود را نیز که از میان باتلاق عبور می‌کرد، در **اختیار** خود گرفته‌اند و تیراندازان و سوارانی را برای جلوگیری از رفت و آمد عراقیان به شریعه در آنجا مستقر کرده‌اند. سپاه عراق توانست با رشادت مالک بر **آب** مسلط شود و امام دستور داد تا مانع از استفاده از آب برای شامیان نشوند. با گذشتن **محرم**، جنگ صفین به تمام معنا در نخستین روز ماه **صفر** میان مالک و **حبیب بن مسلمه** آغاز شد. در شب آغاز جنگ، امام به همه نیروهای خود، سفارش می‌کرد: «تا آغاز به جنگ نکرده‌اند شما به **جنگ** با ایشان نپردازید. فرارکننده ای را نکشید و مجروحی را به **قتل** نرسانید و کسی را برهنه نسازید و کشته‌ای را مثله نکنید». عمار که پیامبر فرموده بود تو به دست گروهی متجاوز کشته می‌شوی و همه مردم نیز این **خبر** را شنیده بودند، در یکی از روزهایی که جنگ با شدت در جریان بود به **شهادت** رسید. امام از معاویه خواست تا با یکدیگر مبارزه کنند تا هر کدام پیروز شدند، **حکومت** از آن او باشد. معاویه حاضر به پذیرش این پیشنهاد نشد. یکبار نیز امام با عمرو و بربرو شد که عمرو با آشکار کردن **عورت** خود و استفاده از حیای امام توانست از معرکه بگریزد. معاویه می‌کوشید تا سپاه عراق را بشکند. وی نامه‌های مختلفی به **ابو ایوب انصاری**، **عبدالله بن عباس** و دیگران نوشت و به بهانه جلوگیری از خونریزی و حتی وعده خلافت به این عباس کوشید تا آنان را به مخالفت با امام وادار کند. به علاوه با بخشش‌های مالی مکرر او به سپاهیان آنان را **تشویق** به جنگ کرد. در یکی از آخرین روزهای جنگ، نبرد چنان سخت شد که از **نماز صبح** آغاز شد و تا نیمه شب ادامه یافت. این شب را «**لیلة الهیرین**» نامیده‌اند. مجدداً جنگ از نیمه آن شب آغاز شد و تا **ظهر** فردا ادامه داشت. امام ضمن خطبه‌ای فرمود: جز **یک** نفس از دشمن نمانده است.

## حیله عمرو و عاص

معاویه و عمرو که کار را تمام شده می‌دیدند و احساس شکست کردند دست به حیله زدند. فردای **لیلة الهیرین**، پانصد **قرآن** بر سر نیزه‌های شامیان رفت. فریاد بلند بود که ای گروه عرب! به زنن و دختران خود ببندید، اگر شما نابود شوید فردا چه کسی در برابر رومیان و ترکان و پارسیان خواهد ایستاد؟ این اقدام سبب شد تا کمکم در میان سپاه عراق این ندا شنیده شود که دشمن **حکمت قرآن** را پذیرفته است و ما حق جنگ با آن‌ها را نداریم. امام به شدت در برابر این سخن ایستاد و اعلام کردند که این کار جز فریب چیزی نیست. من سزاوارترین افراد برای پذیرفتن حکمت کتب خدا هستم. در این لحظه حدود بیست هزار نفر از سپاه عراق نزد امام آمده از او خواستند تا حکمت قرآن را بپذیرد. **طایفه قراء** که به خواندن قرآن دلخوش بودند و شماری از آن‌ها در **سلک خوارج** درآمدند، در میان این افراد بودند. مخالفان جنگ از امام خواستند تا دستور دهد **مالک اشتر** برگردد. امام شخصی را دنبال او فرستاد. مالک پیغام داد اکنون وقت بازگشت نیست. مخالفان گفتند: اگر مالک باز نگرند تو را خواهیم کشت. این خبر سبب شد تا مالک برگشته و جنگ متوقف شد. **اشعث** که یکی از **منافقان** بود و با **استمرار** جنگ شدیداً مخالفت می‌کرد، نزد معاویه رفت و از وی درباره چگونگی اجرای حکم قرآن سؤال کرد. او گفت: بهتر است **یک** نفر از سوی ما و فرد دیگری از سوی شما بنشینند و درباره **حکم قرآن** در این باره اظهار نظر کنند. او این نظر را به امام منتقل کرد. پس از آن اهل شام، عمرو عاص را برگزیدند. اشعث و شماری دیگر از کسانی که بعداً در گروه خوارج درآمدند، ابوموسی اشعری را پیشنهاد کردند. امام به دلیل مخالفت **ابوموسی** با وی در **جنگ جمل** حاضر به قبول وی نشد اما آنها در این باره اصرار کردند. پیشنهاد امام این عباس و یا مالک بود اما آن‌ها نپذیرفتند. قرار شد تا قرارنامه‌ای نوشته شود. در این قرارنامه با اشاره به انتخاب این دو نفر از سوی مردم شام و عراق، **حقوق** مساوی برای امام و معاویه قرار داده شده بود. **عمرو بن عاص** در ملاقت با ابوموسی فصلی از فضایل! معاویه را برشمرد و تاکید کرد که معاویه ولی دم عثمان است. ابوموسی هم بر احیای سنت عمر در امر شورا تکیه داشت. زمانی که ابوموسی بر بالای منبر، خلع فرمانروایی **امام علی علیه‌السلام** را اعلام کرد، عمرو بن عاص اعلام کرد: او تنها **حق** خلع علی را داشت و من **خلافت** را به معاویه واگذار می‌کنم.

## منبع

پژوهشکده باقر العلوم، برگرفته از مقاله جنگ صفین، بازیابی ۱۳۹۵/۰۲/۲۱.

رده‌های این صفحه: **تاریخ زندگانی امام علی** | **تاریخ معصومان** | **جنگ صفین** | **جنگ های امام علی**